

مقاله پژوهشی: تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در اعمال حاکمیت برای تأمین نیاز عمومی به امنیت از منظر فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی)

۲۰.۱۰.۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۱.۱۲.۴۴.۱۳.۴

صدیقه سادات هاشمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: امنیت یک نیاز اساسی است و در یک حکومت اسلامی که مظهر قدرت الهی و قدرت مردم در جامعه است، برای تأمین نیاز عمومی به امنیت، لازم است از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود. مبتنی بر بیانات فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی)، نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است؛ این پژوهش قصد دارد نقش و جایگاه این نیرو را در اعمال حاکمیت برای تأمین نیاز عمومی به امنیت تبیین کند.

روش‌شناسی: پژوهش از حیث ماهیت کاربردی و از حیث شیوه اجرا، از پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود؛ در این پژوهش از بین روش‌های پژوهش کیفی، روش تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفته است؛ در این خصوص متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع کارکنان، مدیران و فرماندهان ناجا از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ تحلیل شده و ۲۱۶ گزاره استخراج شده حول موضوع پژوهش، به شیوه کیفی تحلیل مضمون شدند.

یافته‌ها و نتایج: مضامین شناسایی شده حول چهار محور اصلی ساماندهی شدند؛ در این چهار محور، نقش ناجا در ایجاد نظم و امنیت کشور [شامل چهار نقش فرعی: حفظ نظم، ایجاد امنیت، استقرار امنیت، عمومیت بخشیدن به امنیت]، لازمه و مقدمه ایفای سه نقش دیگر آن در برابر مردم، حاکمیت و دین است. ناجا با تأمین نظم و امنیت: ۱. برای مردم پناهگاه و مایه آرامش خاطر می‌شود و زندگی روزمره را ممکن می‌سازد؛ ۲. اقتدار حاکمیت را به نمایش می‌گذارد و زمینه اداره و بالندگی جامعه را در همه عرصه‌ها فراهم می‌کند؛ ۳. با حفظ ارزش‌ها و معیار قرار دادن آن‌ها، یاریگر دین شده و عزت و ارجمندی آن را تداوم می‌بخشد؛ این جایگاه برای ناجا در منظومه فکری فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی)، همان شأنی است که امیرالمؤمنین علی (ع) برای سربازان در نظام اسلامی قائل بود.

کلیدواژه‌ها: نیروی انتظامی، نظم و امنیت، اقتدار ملی، مردم، ارزش‌ها

۱ دانش‌آموخته دکتری مدیریت رفتار سازمانی دانشگاه تهران و استادیار گروه مدیریت منابع انسانی دانشگاه علوم

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از بدیهی‌ترین امور جوامع انسانی نیاز جامعه به «حکومت» است. به جرئت می‌توان گفت که هیچ‌یک از فلاسفه و اندیشمندان تاکنون ضرورت وجود حکومت، حاکمیت، دولت و مفاهیم متناظر آن را نفی نکرده‌اند (کمالی و زمانی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۲۰)؛ اختلاف‌های موجود همه بر سر چگونگی شکل‌گیری آن، کارکردها و البته حد و حدود اختیارات آن بوده است. اصلی‌ترین و ابتدایی‌ترین کارکردی که توسط همه دانشمندان و فلاسفه برای حکومت در نظر گرفته شده نیز «امنیت» است؛ به عبارتی تاکنون کسی مدعی نشده که حکومتی متولی «امنیت» نباشد؛ بنابراین در جوامع انسانی به‌طور کلی و در جامعه اسلامی به‌طور خاص «امنیت» از اساسی‌ترین نیازهای جامعه و بسیار مهم است و در شمار نعمت‌های درجه اول پروردگار قرار دارد (۱۳۹۵/۰۲/۱۹؛ ۱۳۹۶/۰۶/۲۶)؛ خداوند در قرآن، نعمت امنیت را به‌واسطه اهمیت اساسی آن به رخ مخاطبان این آیه کشیده است: «الَّذِي أُطْعِمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (سوره قریش، آیه ۴).

امنیت یکی از «برترین حقوق انسانی» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶) و از «نان شب واجب‌تر و مهم‌تر است» (۱۳۸۳/۰۷/۱۵)؛ چراکه «امنیت یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام سربلندی کشور است» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹). بدون امنیت، «زندگی روزمره مردم امکان‌پذیر نیست» (۱۳۹۵/۰۲/۱۹)؛ «نه خوراک لذتی می‌بخشد؛ نه خانواده‌آنسی ایجاد می‌کند و نه شغل و درآمد فایده‌ای می‌دهد» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛ «مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که بر دوش دارند، به انجام برسانند» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸)؛ امنیت که نباشد، «فعالیت‌های علمی و دانشگاهی امکان‌پذیر نیست» (۱۳۹۵/۰۲/۱۹)؛ «فکر منتظم و به دنبال آن، عمل منتظم هم وجود نخواهد داشت و پیشرفت میسر نخواهد شد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹)؛ «اقدام و عمل در حوزه اقتصاد مقاومتی و شکل‌گیری شجره طیبه اقتصاد درون‌زا نیز نیازمند امنیت است» (۱۳۹۵/۰۲/۱۹)؛... بدون امنیت «اداره کشور امکان‌پذیر نیست...؛ امنیت که نبود، هیچ‌چیز نیست» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵). «امنیت بستر و فضای اساسی و لازم و حیاتی برای همه کارها است. علم، پیشرفت،

تکنولوژی، ثروت و امنیت در سایه امنیت حاصل خواهد شد» (۱۳۹۰/۰۷/۲۱). «در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸) و... این، اهمیت امنیت است.

«برای تأمین نیاز عمومی به امنیت، لازم است که از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود. حکومت اسلامی که مظهر قدرت الهی و قدرت مردم در جامعه است باید با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کند» (۱۳۷۳/۰۴/۲۹)؛ و «نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است؛ یعنی جزو وظایف جمهوری اسلامی این است که در جامعه امنیت ایجاد کند...؛ مظهر این امنیت و عامل وسط میدان این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی...؛ ناجا، نماینده حاکمیت اسلامی و نماینده نظام جمهوری اسلامی است در بین مردم» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛ «ناجا مظهر اقتدار نظام و نظمی است که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ کند و تأمین کند و از آن پاسداری کند» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹) و «مظهر آن قدرتی است که مردم آن قدرت را به کار می‌برند تا بر سر آدم ناامنی ایجادکن بزنند و مانع او شوند» (۱۳۷۳/۰۴/۲۹)؛ بنابراین به واسطه اهمیت امنیت، سازمانی هم که متولی آن است، اهمیت می‌یابد؛ چراکه «اهمیت هر انسانی به قدر آن مسئولیتی است که بر دوش می‌گیرد و این انسان یا این مجموعه یا این سازمان به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند و مهم‌ترین سازمانی و مجموعه‌ای که این وظیفه مهم را بر دوش گرفته است، نیروی انتظامی است» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶). «نیروی انتظامی، آن سازمان رشید، آن بازوان توانا و آن شانه‌های پُرتحمّلی است که می‌تواند و می‌خواهد این بار سنگین را بر دوش بگیرد» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸). «هر اندازه که امنیت برای یک ملت و یک کشور مهم است، به همان اندازه باید به حفظان امنیت - که یک مظهر برجسته آن، نیروی انتظامی است - اهمیت داد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹). ناجا تصمیم گرفته تا «امنیت... این عامل اساسی سعادت کشور و ملت را تأمین کند» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶)؛ «بنابراین سازمان با نگاه به این مأموریت اهمیت پیدا می‌کند» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

با توجه به مطالب ذکر شده دربارهٔ وظیفهٔ حکومت اسلامی در اعمال حاکمیت برای ایجاد امنیت و اینکه این اعمال قدرت در جامعهٔ اسلامی ایران از طریق نیروی انتظامی صورت می‌گیرد، این پژوهش با تحلیل بیانات فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) به‌عنوان فرماندهی عالی این نیرو، قصد دارد «جایگاه نیروی انتظامی را در جامعهٔ اسلامی»، بر اساس وظیفهٔ خطیر و دشوار آن یعنی «ایجاد، استقرار و عمومیت بخشیدن به امنیت»، تبیین نماید؛ در این خصوص ضمن پرداختن به حدود مسئولیت این نیرو از منظر نمایندگی حاکمیت در تولید امنیت، نقش آن در بالندگی جامعهٔ اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تشریح می‌شود و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که در منظومهٔ فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌عنوان رهبر جامعهٔ اسلامی از یک‌سو و فرماندهی کل نیروهای مسلح [که ناجا نیز جزئی از آن است] از سوی دیگر، نیروی انتظامی با اجرای مأموریت «حفظ نظم و امنیت کشور»، چگونه در جامعهٔ اسلامی به ایفای نقش می‌پردازد و از چه جایگاهی برخوردار است؟

نکتهٔ مهم و قابل توجه در این پژوهش آن است که نه‌تنها برای پاسخ به این پرسش، بلکه برای بیان بخش‌های دیگر مقاله مانند مقدمه نیز از کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بهره‌برداری شده است.

۲. مبانی نظری

ضرورت تشکیل حکومت و جایگاه امنیت در آن: هر جامعهٔ بشری از آن روی که مشتمل بر افراد گوناگون با نیازها، منافع، دل‌بستگی‌ها و سلیقه‌های مختلف است، به‌طور ضروری نیازمند حکومت است و بدون وجود حکومت یا دولتی که دارای اقتدار سیاسی و قدرت برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا و امر و نهی باشد، نمی‌تواند بقای خود را حفظ نماید و از پیشرفت و تعالی باز خواهد ماند (شاکرین، ۱۳۹۰: ۹۷). عدم وجود حکومت در جامعهٔ بشری منجر به هرج و مرج و ازهم‌گسیختگی خواهد شد و بنابراین اصل وجودی آن امری بدیهی می‌باشد. در همهٔ نظریات ارائه‌شده حول حکومت نیز به‌ضرورت وجودی

حکومت در جامعه اشاره شده است و تنها مکتب آنارشیسم است که منکر ضرورت وجودی حکومت است (وینر، ۱۳۸۷).

به طور معمول از هر حکومتی انتظار می‌رود تا وظایفی را در برابر جامعه عهده‌دار شود؛ در مورد تعداد و حدود این وظایف البته بین نظریه‌پردازان اجماع کامل وجود ندارد؛ اما تقریباً همه آن‌ها در مورد اینکه همت حکومت باید رفع نیازهای مردم باشد توافق داشته و حداقل انتظارات از حکومت را، تأمین رفاه و امنیت شهروندان عنوان کرده‌اند؛

در اسلام نیز ضمن تأکید بر ضرورت وجود حکومت، برای آن کارکردهایی تعریف شده است. امام علی (ع)، فرموده است: «به‌ناچار باید برای مردم زمامداری باشد؛ خواه نیکوکار باشد و خواه تبه‌کار؛ تا مؤمن در سایه حکومتش به کار خود بکوشد و کافر در آن بهره‌مند شود و خداوند [هر چیزی را] در آن به اجل و سررسید خود برساند؛ و به وسیله او اموال و غنائم عمومی جمع‌آوری شود و به پشتیبانی او با دشمن کارزار گردد؛ و به سبب او راه‌ها امن شود و حق ضعیف از قوی بازگرفته شود تا نیکوکار به راحتی زیست کند و از شر تبه‌کار مردم راحت شوند» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)؛ در این روایت، امنیت، رفاه و دفاع از مظلوم، به عنوان کارکردهای حکومت اسلامی بیان شده‌اند؛ امام صادق (ع)، نیز فرموده است: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ»؛ «سه چیز است که مردم به آن‌ها نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه» (حرانی، ۱۳۹۳: ۳۲۰).

در روایات متعدد، کارکردهای حکومت اسلامی معرفی شده‌اند؛ اما آنچه مسلم است اینکه در اسلام، ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین دلیل تشکیل حکومت، امنیت است؛ پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «یا علی! لا خیرَ فی... الوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ»؛ «ای علی! خیری نیست در... وطن مگر با امنیت و خوشی» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۶۹)؛ و امام علی (ع) نیز در حدیثی مشابه فرموده: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ»؛ «بدترین شهرها، شهری است که در آن ایمنی نباشد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۷، حدیث ۵۲۵۳)؛ آن حضرت، به واسطه اهمیت و جایگاه امنیت در حکومت اسلامی، شأنی ویژه نیز برای تأمین‌کنندگان آن قائل شده‌اند که به آن اشاره خواهد شد.

جایگاه نیروهای مسلح و نیروی انتظامی در حکومت اسلامی: وجود نیروهای مسلح

در همه نظام‌های سیاسی عالم از گذشته تاکنون از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. امروزه اندیشمندان و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل جملگی بر این نظرند که برخورداری هر نظام و حاکمیتی از آمادگی نظامی که در سایه وجود یک سازمان نظامی توانمند حاصل می‌آید، از عناصر کلیدی «قدرت ملی» آن کشور و نظام است؛ از این رو بیشتر دولت‌ها وجود نیروهای مسلح را پیش‌نیازی برای بقای ملی خود قلمداد می‌کنند و شواهد نیز حاکی از آن است که هنوز هیچ جایگزینی برای رفع نگرانی‌های ناشی از چگونگی مدیریت حکومت بدون وجود نیروهای نظامی یافت نشده است؛ نظام اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست؛ بلکه چون اهداف و آرمان‌هایش با دشمنان داخلی و خارجی متعددی روبه‌رو است، نیازمندی‌اش به نیروهای مسلح قوی و توانمند بیش از سایر نظام‌ها است (فرازی، ۱۳۸۴)؛ در منابع اسلامی نیز شواهدی وجود دارند که این امر را تأیید می‌کنند؛ به‌طور مثال در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، استقامت کنید و پایدار باشید و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید (سوره آل‌عمران، آیه ۲۰)؛ در تعریف «مربطه» که به‌عنوان دستور سوم در این آیه بدان فرمان داده شده، آمده است که مربوطه معنای وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود و این جمله به مسلمانان دستور آماده‌باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند (نعمانی، ۱۳۹۶: ۲۰۵)؛ همچنین خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال، مسلمانان را به آماده ساختن نیرو در حد توان برای ترساندن دشمن امر فرموده است؛ امام خمینی (ره) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «سازوبرگ جنگ را بر ضد دشمنان به هر قدر می‌توانید، آماده کنید؛ چه از نیروهای بدنی و تعلیمات نظامی و چه از سازوبرگ جنگی و سازمان‌های مناسب آن و چه نیروهای سرحدی برای نگهداری سرحدات؛ به‌طوری باید در این سازوبرگ و نظام مهیا شوید که دشمن‌های خدا و دشمن‌های شما و هر کس در جهان هست، او را بشناسید

یا شناسید، از نیروهای با عظمت شما بترسد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸)؛ در بین روایات نیز توجه به چند روایت قابل توجه‌اند. امام علی (ع)، فرموده است: «الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ؛ «سربازان، به فرمان خداوند، دژهای نگهدارنده شهروندان، زینت زمامداران و مایهٔ ارجمندی دین و امنیت‌اند و کار شهروندان، جز به آنان استوار نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ پیامبر (ص)، نیز فرموده‌اند: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ» (مجلسی، ۱۳۹۸، جلد ۱۰۰)؛ در تفسیر این روایت آمده است: «منظور از اینکه تمام خیر در شمشیر است، این است که کفار به وسیلهٔ آن تسلیم می‌شوند و ستمکاران به راه راست می‌روند و امور مردم سامان می‌یابد و به وسیلهٔ آن بر دشمنان غلبه پیدا می‌شود؛ دربارهٔ بخش پایانی این حدیث که «شمشیر کلید بهشت و جهنم است» نیز آمده که شمشیر برای مؤمنان کلیدهای بهشت است و برای کافران و مخالفان کلیدهای جهنم است؛ زمانی که به اذن خدا باشد، کلید بهشت است؛ اما زمانی که بدون اذن خدا باشد، کلید جهنم است؛ به این ترتیب آشکار است که اسلام برای امنیت چنان ارزش و اهمیتی قائل است که مهیا شدن عده‌ای افراد مسلح و فراهم آوردن نیروهایی برای مقابله با برهم‌زنندگان آن را لازم شمرده و به آن امر نموده است.

در جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح مجموعهٔ بزرگی از دستگاه‌های نظامی، انتظامی و امنیتی است که جایگاه ویژه در نظام اسلامی داشته و به دلیل ارتباط نزدیک با مردم و کار ویژه‌های مهمی که با نیازهای حیاتی مردم یعنی برقراری امنیت و استقرار نظم و قانون دارند، نقش مهمی در ساختن دولت اسلامی دارند. رفتار و منش نیروهای مسلح در نظام اسلامی، مبین تصویر دولت اسلامی بوده و می‌تواند مردم به این دولت جلب یا از آن رویگردان سازد؛ در بین نیروهای مسلح نیز نیروی انتظامی به دلیل ارتباط بسیار گسترده با مردم از جایگاه بسیار حساس‌تر و البته مهم‌تری برخوردار است؛ این نیرو وظیفهٔ «استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی» را در داخل مرزهای جمهوری اسلامی به عهده دارد (قانون ناجا، ۱۳۶۹، ماده ۳) و

ناکامی آن در تولید امنیت به حساب ناکارآمدی دولت اسلامی گذاشته شده و بالتبع، فلسفه وجودی دولت نیز دچار خدشه می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۶: ۲۷).

پیشینه تجربی پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که مطالعات نسبتاً زیادی تلاش نموده‌اند تا جایگاه و نقش سازمان‌های مختلف را در جامعه تبیین نمایند؛ به‌طور مثال در پژوهشی جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از منظر اسلام و لیبرالیسم تبیین شده (محسنی، فرهادی و قمریان، ۱۳۹۳)؛ در پژوهش دیگری جایگاه رسانه‌ها در ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه مورد توجه قرار گرفته (نقیب‌السادات و فرهادی، ۱۳۹۳)؛ برخی پژوهش‌ها به تبیین جایگاه مدارس و آموزش و پرورش در ارتقای بهداشت روانی جامعه (دانشمند، ۱۳۹۵) و توسعه آن (خدادایان و حیدرپور، ۱۳۹۷) پرداخته‌اند و پژوهش‌های دیگری که هر یک به تبیین جایگاه نهاد یا سازمان ویژه‌ای در جامعه و توسعه آن نظر داشته‌اند؛ در این بین مطالعاتی هم هستند که بر بررسی جایگاه و نقش ناجا در عرصه‌های مختلف متمرکز شده‌اند؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

درویشی (۱۳۹۷) در مطالعه خود درباره جایگاه ناجا در حفظ حقوق شهروندی به دو موضوع مهم پرداخته است؛ موضوع اول اینکه ناجا برای برقراری نظم و امنیت جامعه از اختیارات ویژه‌ای مانند مجهز شدن به سلاح گرم، امکان استفاده از قوای قهریه، اجازه سلب آزادی و... برخوردار شده است و این اختیارات می‌تواند زمینه تعرض به حقوق شهروندان را فراهم آورد؛ موضوع دوم اینکه پلیس، اولین مقام دولتی یا سازمانی است که افراد برای ورود به نظام عدالت کیفری با آن ارتباط پیدا می‌کنند و از آنجاکه در این نخستین مرحله ورود به نظام عدالت کیفری، بیشترین امکان تعرض به حقوق بنیادی و اساسی افراد وجود دارد؛ بنابراین حقوق شهروندان ممکن است مورد تهدید قرار گیرد و این مطالعه تلاش نموده تا با به شیوه اسنادی، نقش و جایگاه ویژه نیروی انتظامی را در رعایت حقوق شهروندی مورد توجه قرار دهد.

امینی و محمدنژاد (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش و جایگاه ناجا در فرایند مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی-تاریخی پرداخته و با اشاره به اهمیت میراث فرهنگی، تلاش‌های

نیروی انتظامی را در کشف کالاهای فرهنگی قاچاق قابل تقدیر ارزیابی نموده‌اند؛ رویکرد این پژوهش از نظر روش‌شناختی، بررسی اسناد و آمارهای پلیس آگاهی بوده است.

عبدالهی و حسینی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی جایگاه نیروی انتظامی در پیشگیری از وقوع جرم پرداخته‌اند؛ این مطالعه که بر اساس بررسی متون و ادبیات موجود انجام شده از منظر نقشی که ناجا در تأمین امنیت بر عهده دارد به موضوع پرداخته و موضوع پیشگیری را مورد تأکید قرار داده است.

زارع مهدوی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای جایگاه پلیس را در عصر جهانی شدن از منظر جامعه‌شناختی مورد توجه قرار داده و اظهار داشته است که با ورود به عصر جدید و توسعه فناوری‌های نوین، پلیس با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود که برای برخی از آن‌ها از یک‌سو، هنوز قانون مناسبی وضع نشده است و از سوی دیگر در پلیس مهارت و تخصص کافی برای رویارویی با آن‌ها به وجود نیامده است؛ این امر پلیس را با چالش‌هایی مواجه ساخته که تغییرات ساختاری و الزامات آموزشی خاصی را بر آن تحمیل می‌کند.

کریمی خوزانی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تلاش نموده‌اند تا جایگاه ناجا را در تأمین امنیت ملی تبیین نمایند؛ این مطالعه که بر اساس بررسی اسناد و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده، نشان داده که ناجا در بعد سلبی امنیت، تلاش می‌کند تا از تبدیل شدن مسائل امنیت عمومی به مسائل امنیت ملی جلوگیری نماید و در بعد ایجابی امنیت نیز با ارائه خدمات مطلوب، توجه به دغدغه‌های شهروندان و پیشگیری از جرائم، احساس امنیت مردم را ارتقا دهد.

غلامحسینی (۱۳۹۱) در پژوهشی با هدف بررسی نقش و جایگاه ناجا در مدیریت بحران‌های طبیعی، بحران برف سال ۱۳۸۳ استان گیلان را مورد توجه قرار داده و با مراجعه به آرای کارشناسان سازمان‌های امداد رسان و درگیر در مدیریت بحران برف استان گیلان نشان داده که این نیرو در مواجهه با این بحران عملکرد قابل قبولی داشته و می‌تواند نقش اساسی در مدیریت بحران‌های طبیعی داشته باشد؛ رویکرد این پژوهش به موضوع، رویکرد کمی بوده است.

اعظم کریمایی، مرادیان و عباسی (۱۳۸۹) در پژوهشی نقش ناجا در تأمین امنیت اجتماعی را مورد توجه قرار داده و نشان داده‌اند موفقیت پلیس در اجرای مأموریت‌هایش به‌طور معنادار و قابل توجهی بر بهبود امنیت اجتماعی در جامعه تأثیرگذار است؛ این پژوهش با تعریف متغیرهای مستقل و وابسته در حوزه وظایف ناجا در برقراری امنیت اجتماعی، رویکرد کمی را مبنا قرار داده است.

بررسی این پژوهش‌ها به‌وضوح نشان‌دهنده تأکید و تمرکز هر یک از این پژوهش‌ها بر بخش‌های خاصی از وظایف نیروی انتظامی است و در هیچ‌یک از مطالعات انجام شده، جایگاه سازمان ناجا در نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح کلان تبیین نشده است؛ از این حیث وجه تمایز و جنبه نوآوری خاص پژوهش حاضر از آن ناشی می‌شود که این پژوهش اولاً، نقش نیروی انتظامی را در جامعه اسلامی به‌طور کلان مورد توجه قرار داده و از رهگذر این موضوع، جایگاه آن را در جامعه و نظام اسلامی بررسی نموده است؛ و دوم اینکه، این جایگاه را از منظر و منظومه فکری رهبر جامعه اسلامی که فرماندهی عالی این نیرو را نیز عهده‌دار است تبیین نموده است؛ اتخاذ چنین رویکردی این اطمینان را ایجاد می‌کند که جایگاه ترسیم شده، برآمده از اشراف بر امور جامعه اسلامی از یک‌سو و اشراف بر مأموریت‌های ناجا به‌عنوان بخشی مهم از آن سوی دیگر باشد؛ چراکه ایشان هم رهبر جامعه اسلامی است و هم فرمانده این نیرو؛ بنابراین ارزشمندترین تبیین از این جایگاه از منظر ایشان قابل ارائه است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از حیث ماهیت کاربردی و از حیث شیوه اجرا، از پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود؛ در این پژوهش از بین روش‌های پژوهش کیفی، روش تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفته است؛ در این خصوص ابتدا با مطالعه متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع کارکنان، مدیران و فرماندهان ناجا، یادداشت‌برداری و علامت‌گذاری معانی، آغاز شد؛ سپس با تمرکز بر مجموعه داده‌ها [به جای اتکا بر نظریه] همه گزاره‌های مرتبط با نقشی که ناجا در جامعه اسلامی ایفا می‌کند و جایگاهی که دارد،

شناسایی و کدگذاری شدند؛ در مرحله بعد، کدها دسته‌بندی شده و تم‌های اصلی و فرعی شناسایی و چندین بار بازبینی شدند و با دستیابی به نقشه تم آبدیده، تدوین الگو انجام شد؛ تعداد گزاره‌ها، کدهای شناسایی شده و نیز پایایی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به فراوانی گزاره‌ها و پایایی پژوهش

ردیف	موضوع گزاره‌ها	حداقل تعداد گزاره‌ها	تعداد توافقی‌ها	پایایی (درصد)
۱	نقش ناجا در حفظ نظم و امنیت کشور	۱۱۲	۱۰۹	۹۷/۳
۲	جایگاه ناجا در تأمین آرامش و آسایش عموم مردم	۸۹	۸۷	۹۷/۷
۳	جایگاه ناجا در نمایش اقتدار نظام و حاکمیت	۹	۹	۱۰۰٪
۴	جایگاه ناجا در مقام حفظ ارزش‌ها و نصرت دین	۶	۶	۱۰۰٪
	مجموع تعداد گزاره‌ها	۲۱۶	۲۱۱	۹۹٪/۲

پایایی پژوهش: در پژوهش حاضر از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی تحلیل متن استفاده شده است؛ برای این منظور درصد توافق دو کدگذار آشنا به متن و روش پژوهش در مورد گزاره‌های استخراج شده از متن بیانات (مدظله‌العالی)، محاسبه شد؛ همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

روایی پژوهش: در یک مطالعه کیفی، اعتبار اشاره بر میزانی دارد که مشاهده پژوهشگر توانسته است پدیده مورد مطالعه یا متغیرهای مربوط به آن را انعکاس دهد؛ به عبارتی اعتبار دانش تولیدشده تابعی از کفایت طراحی و روش‌های مورد استفاده برای موضوع و هدف مطالعه است (خواستار، ۱۳۸۷)؛ اعتبار این پژوهش در انتخاب متن، مرهون اعتبار دیدگاه‌های شخصی است که از یک سو رهبری جامعه اسلامی را عهده‌دار است [و این امر الزاماً به معنای اشراف بر امور جامعه است]؛ و از سوی دیگر به‌عنوان فرماندهی معظم کل قوا در مقام فرماندهی عالی نیروی انتظامی قرار دارد [جایگاهی که اشراف بر مأموریت و امور این نیرو را ممکن ساخته است]؛ به‌این ترتیب برای تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی از هر دو جهت خرد و کلان، بیانات مقام معظم رهبری واجد معیارهای شایستگی

و اعتبار است. در مرحله تحلیل، پایایی بالای ۶۰ درصد و نهایتاً در مرحله گزارش، تلاش پژوهشگر برای تدوین دقیق و روایت مناسب، اعتبار پژوهش را حفظ می‌نماید.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی مسئولیت‌های چندگانه و البته همگنی دارد؛ چندگانه از این جهت که در حوزه‌های مختلفی این مسئولیت را به اجرا می‌گذارد و همگن از این جهت که ماهیت این وظایف به هم وابسته بوده و به یک هدف خاص منتهی می‌شود:

- «مأموریت اساسی ناجا عبارت است از حفظ امنیت اسلامی در محیط جامعه؛ این اساسی‌ترین کار ناجا است» (۱۳۷۰/۱۱/۰۲)؛ «مسئولیت حفظ امنیت و نظم در کشور» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶) و «نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛
- «بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش‌ها است» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱)؛
- فلسفه وجودی نیروی انتظامی این است که بتوانند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آن‌ها نظم برقرار کند» (۱۳۶۸/۰۳/۲۸).

به لحاظ منطقی، وقتی ناجا در «جامعه اسلامی»، «مظهر اراده حاکمیت برای برقراری امنیت» است، باید «امنیت اسلامی» (۱۳۷۰/۱۱/۰۲) را برقرار کند؛ امنیتی که برآمده از «ارزش‌های اسلامی» است و «همه باید بدانند که بنا دارد از ارزش‌های اسلامی دفاع کند» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱)؛ لازمه برقراری امنیت هم «نظم» است و فلسفه وجودی همه این تلاش‌ها اینکه می‌خواهد «پشتیبان آسایش و آرامش مردم باشد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹) و «سعی می‌کند آرامش را، امنیت را، آسایش خیال را برای آحاد شهروندان کشور فراهم کند» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹).

بنابراین ناجا «به نمایندگی از حاکمیت جمهوری اسلامی» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶) «مسئولیت حفظ امنیت و نظم در کشور» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶) را عهده‌دار شده تا «پشتیبان آسایش و آرامش

مردم باشد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹)؛ و این کار را در پرتو «حفظ ارزش‌ها» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱) انجام می‌دهد؛ این دقیقاً همان چیزی است که در ماده سه قانون تشکیل ناجا، به‌عنوان مأموریت سازمان تعریف شده است: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهداری و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است» (قانون ناجا، ۱۳۶۹، ماده ۳).

دامنه مسئولیت نیروی انتظامی به نمایندگی از حاکمیت در تأمین امنیت

در این بخش در پرتو کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، به تشریح مسئولیت نیروی انتظامی در تأمین نظم و امنیت پرداخته می‌شود.

نیروی انتظامی و حفظ نظم: نیروی انتظامی از طریق مقابله با «بی‌نظمی و اغتشاش‌گری» (۱۳۸۹/۰۲/۲۵)، «شُرارت» (۱۳۹۵/۰۲/۱۹)، «ناهنجاری‌های اجتماعی» (۱۳۸۳/۱۲/۱۶) و «برآشفته‌کنندگان محیط امن زندگی مردم» (۱۳۷۲/۰۴/۲۶) و با سینه سپر کردن در مقابل «کسانی که قانون و نظم و انضباط را در جامعه به چیزی نمی‌شمارند» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶) و همت در برآوردن انتظارات مردم «از لحاظ نظم و انضباط» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶)، «نظم» را به‌عنوان اولین شرط جریان فعالیت‌های روزانه فراهم می‌کند؛ چراکه «نظم اجتماعی یک مسئله درجه اول است. کارایی مطلوب هر جامعه در درجه اول در حد نظم مطلوب آن جامعه است» (۱۳۷۰/۰۱/۲۷)؛ و مظهر اقتدار نظام و نظمی می‌شود «که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ کند» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹؛ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵).

نیروی انتظامی و ایجاد، استقرار و عمومیت بخشیدن به امنیت: وظیفه ناجا در «ایجاد، استقرار و عمومیت بخشیدن به امنیت» به اندازه گستردگی و پیچیدگی ماهیت امنیت، گسترده و پیچیده است و برای تأمین امنیت همان‌طور که ذکر آن رفت، می‌توان سطوح و مراتب مختلفی قائل شد.

ایجاد امنیت عمومی: لازمه ایجاد امنیت در ابتدایی ترین سطح، آن است که با متعرضان به جسم و جان (۱۳۷۳/۰۴/۲۹؛ ۱۳۷۹/۰۴/۰۷؛ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۹؛ ۱۳۷۸/۰۷/۱۷)؛ مال (۱۳۷۳/۰۴/۲۹؛ ۱۳۷۹/۰۴/۰۷؛ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۹؛ ۱۳۷۸/۰۷/۱۷) و عرض^۱ و ناموس مردم (۱۳۷۳/۰۴/۲۹؛ ۱۳۷۸/۰۷/۱۷؛ ۱۳۷۲/۰۴/۲۶)، مقتدرانه مقابله شود و این مقابله به گونه ای باشد که از یک سو برای مردم مایه امیدواری و دلگرمی (۱۳۷۶/۰۴/۲۵؛ ۱۳۸۶/۰۸/۱۶)؛ و از سوی دیگر برای برهم زندگان نظم و امنیت، مایه ناامنی و ترس باشد (۱۳۷۲/۰۴/۲۶)؛ (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

استقرار امنیت: استقرار به معنای ثبات و قرار یافتن و استوار شدن است (لغت نامه دهخدا، ۱۳۸۵؛ فرهنگ معین، ۱۳۹۳). لازمه استقرار امنیت، «پاسداری از امنیت» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹؛ ۱۳۷۴/۰۴/۲۱؛ ۱۳۷۹/۰۴/۰۷؛ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹) و «سالم سازی محیط زندگی» (۱۳۸۲/۰۷/۱۲) به گونه ای است که مردم احساس ناامنی نکنند؛ لازمه این امر، فراتر رفتن از تأمین حداقل های امنیت جان و مال و ناموس است؛ در این حالت نیروی انتظامی باید توانایی آن را داشته باشد تا دامنه وجود امنیت را تا بدان جا گسترش دهد که فکر، روان و خیال مردم از تهدید آسوده شود (۱۳۷۳/۰۴/۲۹؛ ۱۳۸۴/۱۲/۱۵؛ ۱۳۹۵/۰۲/۱۹)؛ به عنوان شاهد این شیوه برداشت از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به دو گزاره اصلی این حوزه اشاره می شود: «ثابت شده است که ترویج مواد مخدر به دنبال طراحی های پشت صحنه ای است که سیاست گذاران استکبار نسبت به کشورهای مبعوض خودشان انجام می دهند؛ عیناً همین مسئله در ترویج بی بندوباری در سست کردن ایمان ها، سست کردن پایه های اخلاقی در یک جامعه وجود دارد؛ این ها همه، اهمیت پاسداری از امنیت را بیشتر می کند» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹)؛ و اینکه برای سالم سازی محیط زندگی اجتماعی باید «با عاملان ناامنی اجتماعی و شیوع مواد مخدر» (۱۳۷۹/۰۴/۰۷؛ ۱۳۸۹/۰۲/۲۵)، نفوذکنندگان در حصار محکم عفت عمومی این ملت (۱۳۷۲/۰۴/۲۶) و افرادی «که تعمداً یا از روی بی توجهی

۱ تعرض به عرض، ناظر بر هرگونه تجاوز ناحق به آبرو، حیثیت و شرافت خانوادگی و اجتماعی افراد است که بر اساس عرف و اعتقادات مذهبی و خصوصیات اخلاقی تعریف می شود (اردبیلی، ۱۳۹۳).

چهره جامعه را از لحاظ دینی، نجابت و عفاف خارج می‌کنند» (۱۳۸۹/۰۲/۲۵) نیز برخوردی قوی و صحیح انجام شود. مقام معظم رهبری در بیانات خود دلیل ضرورت پرداختن به این مسائل در حوزه مأموریت نیروی انتظامی را تأثیر گذاشتن آن‌ها بر «غیرت دینی و حساسیت مسئولیت ایمانی» و «تخدیر جامعه» عنوان کرده‌اند (۱۳۷۴/۱۰/۰۵).

عمومیت بخشیدن به امنیت: به کار بردن تعبیری مانند «امنیت عمومی» (۱۳۷۹/۰۴/۰۷) و یا «عمومیت بخشیدن به امنیت» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶) در کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ناظر بر این امر است که امنیت به عموم مردم تعلق دارد؛ «نه به یک قشر خاص، نه به مردم معینی از آحاد کشور یا در منطقه‌ای از مناطق کشور بلکه به همه» (۱۳۷۸/۰۷/۱۷):

– امنیت به جغرافیای مشخصی تعلق ندارد؛ «در شهرها؛ در روستاها، در جاده‌ها، در مرزها، در پایانه‌های مسافری، در کوه‌ها و دشت‌ها، در مناطق خطرناک، در همه جا» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶)، «امنیت متعلق به همه است. امنیت تهران، واجب‌تر از

امنیت مردم مرزنشین جنوب و شرق و غرب کشور نیست» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛

– امنیت به طبقه اجتماعی معینی اختصاص ندارد؛ «امنیت افراد مرفه که از سرمایه و امکاناتی برخوردارند، واجب‌تر از امنیت آن کارگری که چشمش به مزد روزانه است، نیست... در نظام اسلامی، امنیت، امنیت عموم مردم است؛ نه امنیت برای طبقات ویژه» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛

– امنیت به فعالیت خاصی منحصر نمی‌شود؛ «در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت و در هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛

– امنیت به فرقه، مذهب، گرایش یا اعتقاد خاصی تعلق ندارد؛ «در کار ایجاد امنیت و دادن احساس امنیت به آحاد مردم جنبه‌های سیاسی و جناحی و گرایش‌های گوناگون و اختلاف مذهب و اختلاف قومیت و این‌ها، هیچ تأثیری نباید بگذارد. امنیت در جامعه مال همه است... آحاد ملت با هر مذهبی، با هر دینی، با هر گرایش سیاسی‌ای، با هر سلیقه‌ای... همه یکسان‌اند در برابر امنیت» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶)؛

– امنیت فصل و زمان مشخصی ندارد؛ «در همه فصول سال، نیروی انتظامی جلوی چشم مردم است» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶)؛

– امنیت مصداق‌ها و شعب گوناگونی دارد؛ «این یکی از شعب امنیت است که تعرض جسمی به انسان نشود...؛ اما در کنار این، امنیت‌های رقیق‌تر از لحاظ رؤیت و مشاهده اما گاهی به مراتب خطرناک‌تر وجود دارد...؛ ناامنی‌ای که ناشی است از ترویج مواد مخدر...، کشاندن به فحشا... بایستی در قبال هر نوع ناامنی برنامه داشت و حرکت کرد و کار کرد؛ این‌ها چیزهایی است که جوانب گوناگون امنیت است» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

و خلاصه اینکه «در همه‌جا» و «هر جا که مردم هستند» نیروی انتظامی هست (۱۳۷۸/۰۷/۱۷)؛ و از این جهت «تنها سازمانی است که در سرتاسر کشور در مقابل چشم مردم حضور دارد» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶) و به جرئت می‌توان گفت که «آن نمونه و مسطوره‌ای که مردم همه‌جا، از مأمور دولتی و خدمتگزار مردم در کسوت خدمتگزاران دولتی به چشم خود مشاهده می‌کنند، نیروی انتظامی است» (۱۳۷۸/۰۷/۱۷).

ممکن است در اینجا این شبهه ایجاد شود که به‌طور منطقی هر جامعه‌ای پلیس دارد تا حافظ امنیت مردمش باشد؛ اما باید گفت که اگر نظام ارزشی حاکم بر پلیس، ارزش‌های متعالی انسانی نباشد، وجود پلیس، منتهی به امنیت عمومی یا امنیت برای آحاد مردم از هر فرقه، نژاد، مذهب و... نمی‌شود و شاهد این ادعا، رفتار پلیس نظام گذشته ایران با مردم است؛ پلیسی که در درون خود نیروهای مسلمان و با وجدان زیاد داشت؛ اما جهت‌گیری‌های ارزشی و سازمانی آن چنین چیزی نمی‌خواست و یا پلیس‌هایی در سایر نقاط دنیا که حافظ مردم نیستند؛ بلکه بیشتر حافظ منافع دولت‌ها بوده و به خاطر آن‌ها به راحتی مردم را سرکوب می‌کنند (۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

نقش و جایگاه نیروی انتظامی به عنوان تأمین‌کننده امنیت در جامعه اسلامی

در این بخش به این موضوع پرداخته می‌شود که نیروی انتظامی با اجرای مأموریت «حفظ نظم و امنیت کشور» چگونه در جامعه اسلامی به ایفای نقش می‌پردازد و از چه جایگاهی برخوردار است.

نیروی انتظامی و آسایش و آرامش مردم: «فلسفه وجودی نیروهای انتظامی این است که بتوانند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آن‌ها، نظم برقرار کنند» (۱۳۶۸/۰۳/۲۸). «ایجاد امنیت، استقرار امنیت و عمومیت بخشیدن به امنیت» کار نیروی انتظامی است. امنیت هم یک امر تبلیغاتی و زبانی نیست... مردم باید احساس امنیت کنند، احساس امنیت هم متوقف است بر وجود واقعی امنیت؛ امنیت باید واقعاً وجود داشته باشد» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛ به عبارتی با برقراری نظم و امنیت، ثمره تلاش‌های نیروی انتظامی در «احساس امنیت و آرامش مردم» (۱۳۶۸/۰۳/۲۸؛ ۱۳۷۸/۰۷/۱۷؛ ۱۳۷۹/۰۷/۱۸؛ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸؛ ۱۳۹۰/۰۶/۲۹) متجلی می‌شود.

اما چه زمانی مردم واقعاً احساس آرامش و امنیت می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که چون امنیت و آرامش برآمده از احساس امنیت، اموری درونی و البته کیفی هستند، نمی‌توان برای آن حد کمی قائل شد؛ حدی که ناجا با تحقق آن، مسئولیت خود را از دوش برداشته فرض کند. «امنیت اجتماعی و امنیت فردی، صرفاً این نیست که شما از خانه که بیرون می‌آید تا اداره یا دکان و محل کسب یا مدرسه، فرض کنید کسی در خیابان به شما چاقو نزند...؛ این یکی از شعب امنیت است...؛ اما در کنار این، امنیت‌های رقیق‌تر از لحاظ رؤیت و مشاهده اما گاهی به مراتب خطرناک‌تر وجود دارد...؛ اگر چنانچه محیط گردشگاه ما، خیابان ما جووری باشد که... جوان‌ها - در مقابل ترویج مواد مخدر... در مقابل کشاندن به سمت فحشا و منکرات، ایمنی نداشته باشند، این ناامنی بزرگی است...؛ بایستی در قبال هر نوع ناامنی برنامه داشت» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛ بر اساس این بیانات با تأمین هر سطحی از امنیت می‌توان هدف بالاتری تعریف کرد و به انواع رقیق‌تری از امنیت به‌عنوان مأموریت نظر داشت و با تحقق هر سطحی از آرامش و احساس امنیت می‌توان آرامشی عمیق‌تر را هدف قرار داد. به تعبیر مقام معظم رهبری، «باید نیتان، همتان این باشد که هرچه ممکن است، این سطح امنیت را و ایمنی‌بخشی را بالا ببرید...؛ باید همتان این باشد که ناامنی... اتفاق نیفتد» و این یعنی کار بی‌وقفه، کاری که پایان ندارد (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

به این ترتیب با تأمین امنیت «ناجای نظام اسلامی... باید پناه دل‌های خائف و ترسان و جان‌هایی که احساس می‌کنند از سوی یک انسان یا جمع و مجموعه‌ای تهدید می‌شوند، باشد. وجود ناجا باید احساس امنیت را در بیننده به وجود بیاورد؛ این شأن ناجا در نظام جمهوری اسلامی ایران است» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

نیروی انتظامی و اقتدار حاکمیت: قبلاً گفته شد که همه جوامع برای اداره امور خود به حکومت نیاز دارند و از اولین کارکردهای هر حکومتی تأمین «امنیت» است؛ به عبارتی «برای تأمین نیاز عمومی به امنیت، لازم است که از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود» (۱۳۷۳/۰۴/۲۹)؛ در این خصوص حکومت‌ها اقدام به ایجاد نهادهای امنیتی از جمله پلیس می‌نمایند تا «با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کنند». در جمهوری اسلامی ایران «نیروی انتظامی همان مظهر اقتدار نظام و نظم است که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ، تأمین و از آن پاسداری کند» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹)؛ به عبارت دیگر «نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

ناجا به عنوان «نماینده حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی در بین مردم» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶) «مظهر تدبیر و مدیریت نظام» و نمایش‌دهنده «عقل و تدبیر و مدیریت» آن است (۱۳۶۸/۰۳/۲۸) و صفات آن «درواقع نوعی نشان دادن عزت و اقتدار و رحمت مدیریت کشور است» (۱۳۷۸/۰۷/۱۷)؛ و چون «در بین مردم و تماس با آنها است» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)، این امر اهمیتی به مراتب بیشتر پیدا می‌کند؛ «ما هیچ سازمانی را نداریم که این‌طور در یک پهنه با این وسعت همیشه در مقابل چشم مردم باشد» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶). «در همه‌جا نیروی انتظامی یک فصل مشترک میان آحاد مردم و میان دستگاه اداره‌کننده کشور است؛ درواقع آن نمونه و مسطوره‌ای که مردم همه‌جا، از مأمور دولتی و خدمتگزار مردم در کسوت خدمتگزاران دولتی به چشم خود مشاهده می‌کنند، نیروی انتظامی است؛ لذا همه خصوصیتی که در نیروی انتظامی وجود دارد، خواهی نخواهی در ذهن آحاد مردم بر خصوصیات دستگاه مدیر کشور منطبق می‌شود» (۱۳۷۸/۰۷/۱۷).

به این ترتیب نیروی انتظامی با این صحنه عظیم نمایش در سراسر کشور، حقیقتاً می‌تواند با «توانایی‌ها، قدرت، رشادت، اقدام، حرکت بجا و به‌موقع» خود مایه افتخار و سربلندی نظام جمهوری اسلامی باشد و با «تأمین نیاز مردم به امنیت برای نظام اسلامی هم آبرو تأمین کند» (۱۳۹۶/۰۶/۲۶) و از این راه تدبیر و مدیریت نظام را به رخ بکشد.

ممکن است چنین ادعا شود که هر یک از نهادهای جامعه اسلامی، نماینده حاکمیت در حوزه وظیفه خود است و این شأن را می‌توان برای همه دستگاه‌ها قائل شد! در اینجا باید خاطر نشان کرد که اولاً ناجا نماینده حاکمیت در تأمین امنیت است و امنیت شرط حیات و بقای جامعه است؛ به عبارتی اهمیت ماهیت امنیت به متولی آن یعنی نیروی انتظامی اهمیتی ویژه می‌بخشد؛ و ثانیاً، وظیفه ناجا به قدری مهم است که صحت عمل آن می‌تواند کوتاهی سایر نهادها را انجام وظایفشان پوشاند؛ «یعنی اگر فرض کنیم پنج یا ده دستگاه دیگر هم به وظایفشان عمل نکنند؛ اما نیروی انتظامی یک نیروی انتظامی صحیح‌العمل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم باشد، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

ضرورت ایجاد امنیت نیز آشکار است. «امنیت یکی از پایه‌ها و ارکان اصلی پیشرفت و قوام و سربلندی کشور است» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹) و بدون آن «اداره کشور امکان‌پذیر نیست...؛ امنیت که نبود، هیچ چیز نیست» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵). «در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به‌درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸).

به این ترتیب نیروی انتظامی با تأمین امنیت، از یک سو تدبیر و مدیریت نظام را به رخ می‌کشد؛ چراکه «حفظ نظم در داخل کشور نشان‌دهنده اقتدار نظام است» (۱۳۸۴/۱۲/۱۵)؛ و از سوی دیگر با «امکان‌پذیر نمودن اداره کشور» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵) «بستر و فضای اساسی» برای رشد و بالندگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سایر عرصه‌های «علم، پیشرفت، تکنولوژی و اقتصاد» فراهم می‌کند تا «همه فعالیت‌های کشور بتواند به‌درستی برنامه‌ریزی و با دقت دنبال شده و به نتایج خود برسد» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸).

نیروی انتظامی و حفظ ارزش‌ها: «بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش‌ها است» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱)؛ اما قبل از آن، وجود نیروی انتظامی اسلامی در جامعه به برکت وجود و استقرار نظام اسلامی است؛ چراکه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خدا است» (سوره حج، آیه ۴۱)؛ در اجرای این وظیفه، رابطه ارزش‌ها و مأموریت ناجا دوسویه است؛ ارزش‌ها به وجود و مأموریت نیروی انتظامی اعتبار می‌بخشند و نیروی انتظامی با اجرای مأموریتش، به حفظ ارزش‌ها کمک می‌کند و این دور تقویت‌کننده و استحکام‌بخش در یک ماریج عالی‌گرا به هر دو عظمت می‌بخشد؛ «این نقش، ناجا را زنده می‌کند» و به همین دلیل باید «هدف‌گیری یکایک عناصر این نیرو در جهت تعالی بخشی و تقویت ارزش‌های انسانی و دینی در آن باقی بماند (۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

عرصه اقدام و عمل نیروهای مسلح ایران و از جمله آن‌ها نیروی انتظامی «میدان دفاع از ارزش‌های والای الهی و انسانی» (۱۳۸۲/۰۹/۲۶) است. اساساً «نیروهای مسلح ما خود را آماده و مجهز می‌کنند تا دفاع کنند؛ نه تنها از سرزمین که خود افتخار بزرگی است؛ بلکه از آرمان‌های انسانی، دفاع از شرف و کرامت و انسانیت» (۱۳۸۴/۰۹/۳۰). کار نیروی انتظامی، «نصرت اسلام است»؛ «از جمله کارهایی است که خیلی راحت می‌تواند نیت الهی و قصد قربت در آن راه پیدا کند. همه کارها را می‌شود برای خدا انجام داد؛ حتی تلاش معاش را هم می‌شود برای خدا انجام داد و قصد الهی کرد؛ اما در بعضی از کارها قصد خدایی کردن خیلی راحت‌تر است، از جمله کار شما؛ چون کار شما خدمت به جامعه است؛ خدمت به مردم است، خدمت به جمهوری اسلامی است، خدمت به اسلام است، نصرت اسلام است...» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ»؛ «نصرت خدا کنید» (سوره صف، آیه ۱۴)؛ نصرت خدا یکی [از مصادیقش] همین است؛ کار شما جزو کارهایی است که حقیقتاً می‌تواند نصرت اسلام باشد؛ نصرت دین باشد، کمک به مردم باشد (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛ و «مجموعه‌ای

که با قدرت و عزت در میان مردم ظاهر می‌شود، همه باید بدانند که بنا دارد از ارزش‌های اسلامی دفاع کند؛ در درون خود ناجا هم ارزش‌های اسلامی باید ارزش‌های تراز اول و معیار و میزان باشد» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱)؛ بنابراین نیروی انتظامی با اقدام بر پایه ارزش‌های متعالی اسلام، از یک سو به وجود خود عزت و اقتدار می‌بخشد و محبت مردم را جلب می‌نماید و از سوی دیگر با حمایت همان مردم و نظامی که نماینده آن است، به دفاع از ارزش‌ها برمی‌خیزد و یاریگر دین می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش کرد تا با تحلیل مضمون متن کامل بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان فرمانده عالی نیروی انتظامی در جمع مدیران، فرماندهان و کارکنان این نیرو، به ترسیم نقش و جایگاه نیروی انتظامی در جامعه اسلامی بپردازد؛ برای بیان نتایج حاصل از این تحلیل‌ها به شیوه‌ای قابل قبول و منطقی، از تحلیل آگزیوماتیزه بهره گرفته می‌شود که به تعبیر برخی از اندیشمندان علوم انسانی، استنتاج از اصول موضوعه یا اصول متعارفه است (پورعزت، ۱۳۸۳: ۱۲)؛ بر این اساس نتایج این پژوهش را می‌توان در گزاره‌های منطقی و متوالی زیر مشاهده نمود؛ شایان ذکر است که چون در علوم انسانی، اصول متعارفه تابع نظام‌های ارزشی است و نمی‌تواند ثابت و بدون تغییر باشد (پورعزت، ۱۳۸۳: ۱۵)؛ بنابراین نتایج ارائه شده در قالب گزاره‌های منطقی زیر، در نظام ارزشی جمهوری اسلامی ایران و در مورد نیروی انتظامی این نظام می‌تواند پذیرفته شود.

گزاره اول: هر جامعه‌ای برای حفظ، بقا و پیشرفت خود نیاز به یک حکومت دارد تا آن را اداره کند؛

گزاره دوم: یکی از اصلی‌ترین وظایف هر حکومتی و از جمله حکومت اسلامی، امنیت است؛ «حکومت اسلامی که مظهر قدرت الهی و قدرت مردم در جامعه است، باید با اقتدار، این خواسته عمومی انسان‌ها را تأمین کند» (۱۳۷۳/۰۴/۲۹).

گزاره سوم: «امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸)؛ «امنیت، زمینه همه موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها است» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶)؛
گزاره چهارم: «برای تأمین نیاز عمومی به امنیت، لازم است که از طرف حاکمیت، اعمال قدرت شود» (۱۳۷۳/۰۴/۲۹)؛

گزاره پنجم: در جمهوری اسلامی ایران، «نیروی انتظامی در مسئولیت خود که ایجاد امنیت است، مظهر حاکمیت جمهوری اسلامی است؛ یعنی جزو وظایف جمهوری اسلامی این است که در جامعه امنیت ایجاد کند و مظهر این امنیت و عامل وسط میدان این امنیت عبارت است از نیروی انتظامی» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶)؛

گزاره ششم: به واسطه اهمیت امنیت، سازمانی هم که متولی آن است، اهمیت می‌یابد؛ «هراندازه که امنیت برای یک ملت و یک کشور مهم است، به همان اندازه باید به حافظان امنیت - که یک مظهر برجسته آن، نیروی انتظامی است - اهمیت داد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹)؛
گزاره هفتم: نیروی انتظامی به نمایندگی از حاکمیت در ایجاد امنیت، سه نقش مهم در جامعه ایفا می‌کند:

- با «ایجاد، استقرار و عمومیت بخشیدن به نظم و امنیت» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶) «پناهگاه مردم» (۱۳۶۸/۰۳/۲۸) و «پناه دل‌های خائف و ترسان» می‌شود و وجودش «احساس امنیت» را در مردم به وجود می‌آورد (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)؛ این همان شأن «حُصُونُ الرَّعِيَّةِ»؛ «دژهای نگهدارنده شهروندان» در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) است.

- با تأمین امنیت، از یک سو تدبیر و مدیریت نظام را به رخ می‌کشد؛ چراکه «حفظ نظم در داخل کشور نشان‌دهنده اقتدار نظام است» (۱۳۸۴/۱۲/۱۵)؛ و از سوی دیگر با «امکان‌پذیر نمودن اداره کشور» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵)، «بستر و فضای اساسی» برای رشد و بالندگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در سایر عرصه‌های «علم، پیشرفت، تکنولوژی و اقتصاد» فراهم می‌کند تا «همه فعالیت‌های کشور بتواند به‌درستی برنامه‌ریزی و با دقت دنبال شده و به نتایج خود برسد» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸)؛

این همان شأن «زَيْنُ الْوَلَاةِ»؛ «زینت زمامداران» در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) است.

- با اقدام بر پایه ارزش‌های متعالی اسلام، از یک سو به وجود خود عزت و اقتدار می‌بخشد و محبت مردم را جلب می‌نماید و از سوی دیگر با حمایت همان مردم و نظامی که نمایندگی آن را عهده‌دار است، به دفاع از ارزش‌ها برمی‌خیزد و یاریگر دین می‌شود؛ این همان شأن «عِزُّ الدِّينِ»، «ارجمندی دین» در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) است.

به این ترتیب نیروی انتظامی به واسطه ایفای نقش‌های سه‌گانه ذکر شده، از شأن و جایگاه بسیار خاص و ویژه‌ای در جامعه اسلامی برخوردار است. نتایج این پژوهش در قالب نمودار ۱، به تصویر کشیده شده است؛ این نمودار، درک این جایگاه عظیم را در جامعه اسلامی تسهیل می‌نماید.



نمودار ۱: جایگاه نیروی انتظامی در جامعه اسلامی از منظر فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی)
در کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، «الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَا يَسْتَقِيمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»؛ «سربازان، به فرمان خداوند، دژهای نگهدارنده

شهروندان، زینت زمامداران و مایهٔ ارجمندی دین و امنیت‌اند و کار شهروندان جز به آنان استوار نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳)؛ و ابداً جای تعجب ندارد اگر رهبر جامعهٔ اسلامی ایران دقیقاً همان شأنی را برای نیروی انتظامی کشورش قائل است که مقتدای او امام علی (ع) برای نیروهای مسلح خود قائل بود.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم (۱۳۹۷)، ترجمه محسن قرائتی، چ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- امام علی (ع) (۳۵ ق)، نهج البلاغه، به کوشش سید رضی، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، چ هفتم ۱۳۹۸، تهران: انتشارات ذکر.
- موسوی خمینی، سید روح‌ا... (۱۳۷۸)، کشف‌الاسرار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، قابل بازیابی از: khamenei.ir
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، من لایحضره الفقیه، ج چهارم، ترجمه سید صدرالدین بلاغی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۳۳، تهران: نشر میزان.
- اژه‌ای، مهدی (۱۳۹۷)، عزتمندی انسان در گرو ذلت او در برابر خداوند است، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، شناسه خبر (۳۷۱۱۶۶۳)، قابل بازیابی از: <http://isfahan.iqna.ir/fa/news/3711663>
- اعظم کریمایی، علی؛ مرادیان، محسن؛ عباسی، علی (۱۳۸۹)، نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۲(۲)، ۵۰-۷.
- امینی، جلال؛ محمدنژاد، مریم (۱۳۹۷)، نقش و جایگاه ناجا در فرایند مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی-تاریخی، فصلنامه کارآگاه، ۱۱(۱)، ۹۸-۱۰۷.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۳)، درآمدی بر طراحی نظام‌های آگزیماتیزه سلسله مراتبی، همایش توسعه دانش و فناوری، دانشگاه تهران، قابل بازیابی از: http://ifr.journals.isu.ac.ir/index.php/article_2272.html
- حرانی، ابو محمد (۱۳۹۳)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه صادق حسن‌زاده، چ ۱۶، قم: انتشارات آل علی (ع).
- خبرگزاری بین‌المللی قرآن (۱۳۹۴)، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، خط مسلم جمهوری اسلامی، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، شناسه خبر (۳۳۴۵۵۸۶)، قابل بازیابی از: <http://iqna.ir/fa/news/3345586>.
- خدادادیان، مریم؛ حیدرپور، فرشاد (۱۳۹۷)، بررسی قانونی جایگاه آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت در تولید علم در جامعه، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون یار، ۱(۱)، ۳۴۷-۳۶۱ قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/379227>
- خواستار، حمزه (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی ملی در زمینه علم و فناوری برای تحقق اهداف چشم‌انداز (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران.

- دانشمند، پروانه (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه مدارس در ارتقای بهداشت روانی جامعه، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، تهران.
- درویشی، عباس (۱۳۹۷)، جایگاه پلیس و نیروی انتظامی در حفظ حقوق شهروندی، تهران: نشر قانون‌یار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، مفردات، ترجمه غلامرضا خسروی، ج ۲، چ دوم، تهران: مرتضوی.
- رحمانی، محمدعلی (۱۳۹۶)، نقش و جایگاه نیروهای مسلح در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌عالی)، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۴(۱)، ۳۷-۶۵، قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=312505>
- زارع مهدوی، قادر (۱۳۹۴)، بررسی جامعه‌شناختی جایگاه پلیس در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۶(۴)، ۸۵-۶۵، قابل بازیابی از: http://interpol.jrl.police.ir/article_12871.html.
- کمالی گوگی، محمد؛ زمانی‌راد، حجت (۱۳۹۵)، ماهیت دولت و مبانی تأسیس آن در فلسفه سیاسی هابز و لاک در روایتی پارادایمی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۴)، ۱۴۴-۱۱۹، قابل بازیابی از: http://psq.kiau.ac.ir/article_528643.html
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۹۰)، کارکردهای حکومت دینی و ولایت‌فقیه، کتاب نقد، ۱۳ و ۱۴(۶۱)-۶۲، قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/310504>
- عبدالهی، اسماعیل؛ حسینی، سید کرامت (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه نیروی انتظامی در پیشگیری از وقوع جرم و جنایت در چارچوب مفهوم نظریه امنیت انسانی، مجله علوم انسانی اسلامی، ۱(۱۰)، ۵۰-۳۸، قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_93398.html
- علیزاده، علیشاه (۱۳۹۴)، چرا به خدا عزیز گفته می‌شود؟، خبرگزاری شبستان، شناسه خبر ۴۷۴۰۹۰، قابل بازیابی از: <http://www.shabestan.ir/detail/News/474090>
- غلامحسینی، اسماعیل (۱۳۹۱)، بررسی نقش و جایگاه ناجا در مدیریت بحران‌های طبیعی (مطالعه موردی: بحران سفید، بحران برف ۱۳۸۳ گیلان)، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۷(۴)، ۵۶۸-۵۴۹، قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=187502>.
- فرازی، صادق (۱۳۸۴)، نگاهی به ضرورت وجود نیروهای مسلح از منظر منابع دینی و قانونی. حصون، شماره ۵، ۱۴۱-۱۵۰. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/85854>

- کریمی خوزانی، علی؛ جباری، غلام؛ ملکی، مسعود؛ پازوکیان، اسداله (۱۳۹۳)، تبیین و بررسی نقش و جایگاه مدیریت ناجا در راهبرد تأمین امنیت ملی، فصلنامه توسعه سازمانی پلیس، ۱۱(۴)، ۶۶-۳۹. قابل بازیابی از :
http://pod.jrl.police.ir/article_9544_e53aecb53e4cd2037a2b5fc425377422.pdf.
- لیشی واسطی، کافی الدین ابی الحسن علی (۱۳۷۷)، عیون الحکم و المواعظ، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹)، قانون تشکیل ناجا.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۹۸)، بحارالانوار، ج ۱۰۰، چ هفتم، قم: دارالکتب الاسلامیه .
- محسنی، علی؛ فرهادی، عباس و قمریان، ناهید (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم، فصلنامه راهبرد، ۲۳(۳)، ۳۴-۷، قابل بازیابی از :
<http://ensani.ir/fa/article/363376>.
- معین، محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ فارسی معین، چ ۲۷، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۶)، غیبت نعمانی، ترجمه مجتبی عزیزی، چ سوم، قم: کتاب جمکران.
- نقیب السادات، سیدرضا؛ فرهادی، پریسا (۱۳۹۳)، فصلنامه وسایل ارتباط جمعی، رسانه، بررسی جایگاه رسانه‌ها در ارتقای سواد رسانه‌ای به منظور تحقق جامعه دانایی محور، ۲۵(۴)، ۶۱-۴۵. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/365213> :
- وینر، فیلیپیل (۱۳۸۷)، فرهنگ اندیشه‌های سیاسی، ترجمه خشایار دیهمی، تهران: نشر نی.

